

Stylistics of the verbal communication of the Prophets (PBUH) in the Holy Quran based on Jacobson's verbal communication model

(Received: 2022-10-25 Accepted: 2023-01-09)

Farooqh Nemati¹, Behnam Feali²

Abstract

Verbal communication, which has a history as long as human life, has been a place of emphasis and attention in the religious teachings of divine prophets from the very beginning, and they have not avoided employing it during their mission to guide their people, as well as to emphasize the word and prove their righteousness. In the present era, thinkers such as Roman Jacobsen have investigated the quantitative and qualitative structure of verbal communication with a scientific approach. The present essay is due to the importance of the principle of prophecy and prophethood in the guidance and happiness of people, as well as the capabilities of verbal communication in changing thoughts, beliefs, and lifestyles and in general the guidance and happiness of people, and most importantly, the capacities of Jacobsen's theory of verbal communication in the analysis of religious texts; The verbal communication of the prophets as one of the most important means of carrying out the mission has been investigated based on this well-known scientific theory, and the six functions and roles of language from Jacobsen's point of view in a part of religious texts including a selection of verses that the prophets spoke to their relatives and Also, he has analyzed the words of the Prophets' relatives with them in a selective way, which was mainly focused on examining the verses of Surah Ghafar. The aim of the research was a better and deeper understanding of the words of guidance of the prophets, using a descriptive-analytical method and a linguistic approach. The findings of the research show that despite the powerful presence of all verbal roles in the verbal communication of the prophets with their relatives, the persuasive and referential role of language is stronger than other linguistic roles. The reason for the predominance of the reference role can be found in the guiding mission of the prophets and the educational and awareness-raising feature of their words and their guiding role.

Key words: communication theory, Jacobson, message, six roles, prophets, Surah Ghafir

1) Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran (The Corresponding Author) Email: Farooqh.nemati@pnu.ac.ir

2) Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran Email: behnamfeali@pnu.ac.ir





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۶۶-۱۸۷

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.2.9.8

شيوه‌های ارتباط کلامی پیامبران (ع) در سوره مبارکه غافر بر اساس الگوی ارتباط کلامی یاکوسن

(تاریخ دریافت: ۰۳-۰۸-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۹-۱۰-۱۴۰۱)

فاروق نعمتی^۱، بهنام فعلی^۲

چکیده

ارتباطات کلامی که قدمتی به درازای عمر بشر دارد، از همان ابتدا در آموزه‌های دینی پیامبران الهی، محل تأکید و توجه بوده و آنان طی رسالت خود برای هدایت اقوام خود و نیز تأکید بر کلام و اثبات حقانیت خود، گریزی از کاربرد آن نداشته‌اند. در عصر حاضر نیز اندیشمندانی نظیر رومن یاکوبسن با رویکردی علمی به بررسی ساختار کمی و کیفی ارتباطات کلامی پرداخته‌اند. جستار حاضر به دلیل اهمیت اصل نبوت و نیز قابلیت‌های ارتباطات کلامی در تغییر افکار و عقاید و سبک زندگی و به طور کلی هدایت و سعادت انسان‌ها، و از همه مهم‌تر ظرفیت‌های نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن در تحلیل متون دینی؛ ارتباطات کلامی پیامبران (ع) به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارهای انجام رسالت را بر اساس این نظریه مطرح و شناخته شده علمی بررسی کرده، کارکردها و نقش‌های شش‌گانه زبانی از دید یاکوبسن را در بخشی از قرآن کریم، شامل گزیده‌ای از آیات سوره مبارکه غافر که پیامبران (ع) در آن با اقوام خود سخن گفته‌اند و نیز سخنان اقوام پیامبران (ع) با ایشان به صورت گزینشی، واکاوی نموده است. هدف پژوهش، درک و دریافت بهتری از کلام هدایت بخش پیامبران (ع)، به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد زبان‌شناسی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم حضور قدرتمند همه نقش‌های کلامی در ارتباطات کلامی پیامبران الهی با اقوام خود، نقش ترغیبی و ارجاعی زبان نسبت به سایر نقش‌های زبانی پررنگ‌تر است. دلیل غلبه نقش ارجاعی را می‌توان در رسالت هدایت پیامبران (ع) و ویژگی تعلیمی و آگاهی‌بخشی سخنان و نقش رهنمودی ایشان جست و دلیل برجستگی نقش ترغیبی را با مخاطب‌محور بودن کلام ایشان مرتبط دانست.

واژگان کلیدی: نظریه ارتباطی، یاکوبسن، پیام، نقش‌های شش‌گانه، پیامبران (ص)، سوره غافر

۱) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) ایمیل: Farooqh.nemati@pnu.ac.ir
۲) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، ایمیل: behnamfeali@pnu.ac.ir



۱. مقدمه

از آن‌جا که یکی از فلسفه‌های وجودِ نبوت، ناتوانی عقل بشر از یافتن مسیر هدایت است؛ لذا بشر نیازمند هدایت بیرونی می‌شود. بنابراین پیامبران آمده‌اند تا انسان را از طریق ابلاغ مجموعه تعالیم و پیام‌های آسمانی که خداوند بر ایشان وحی کرده، راهنمایی کنند و حجت خدا را بر انسان‌ها تمام نمایند. از همین رو، هدف و رسالت پیامبران، تهذیب و تزکیه، تعلیم ارزش‌ها، کمالات و اخلاقیات بر محور اندیشه‌های انسان‌ساز الهی و در یک کلام، هدایت بشر بوده است. در این میان، بدیهی است بهترین، تأثیرگذارترین و در دسترس‌ترین ابزار برای تحقق این هدف، به‌کارگیری کلام فصیح و زبان بلیغ پیامبران و سازوکارهای ارتباطات کلامی مانند استفاده از فنون مختلف ترغیب و اقناع، خطابه و سخنوری و بهره‌گیری از راهکارهایی همچون مناظره و نیز تمسک به شیوه‌هایی همانند زبان و بیان ادبی بوده است.

پژوهش حاضر که تحلیل ارتباطات کلامی پیامبران و کشف معانی و اهداف در فرایند ارتباطات اجتماعی پیامبران را وجهه همت خود قرار داده، نیک واقف است که تحلیل ارتباطات کلامی و زبانی پیامبران و اساساً هر متن دیگری اعم از متون دینی و غیر آن، بدون اتکا بر نظریه مشخص و بدون تکیه بر یک روش علمی، مستدل و سنجیده، راه به جایی نخواهد برد. بدین منظور، نظر به اهمیتِ درک و حفظ این گنجینه‌های معنوی در هدایت انسان‌ها، به طور مشخص از نظریه ارتباطات کلامی یا فرایند ارتباطی زبانی رومن یاکوبسن^۱ که یکی از طرح‌ها و مُدل‌های مشهور در تبیین ارتباطات کلامی است، بهره برده است.

بر اساس این نظریه، گزاره‌های ارتباط زبانی، بسته به موقعیت گوینده، مقصد کلام، و مقتضای مخاطب و سخن، به ترتیب بر عناصر فرستنده، مخاطب یا گیرنده، و رمزگان استوار است و تمرکز کلام متوجه هر کدام از عناصر کلام باشد، نقش و کارکرد کلام نیز متمایز می‌گردد. نقش‌های ارتباط کلامی حاصل از تأکید بر این عناصر، غالباً بر تلفیقی از نقش‌های شش‌گانه مورد نظر یاکوبسن؛ اعم از نقش‌ها و کارکردهای عاطفی، فرازبانی، ارجاعی، ترغیبی، همدلی و ادبی مبتنی است.

این جستار به دلیل اهمیت زبان به طور کلی و نیز اهمیت سبک کلامی پیامبران در رساندن دعوت الهی به مردم، به بررسی اجمالی عوامل سازنده در کنش ارتباط کلامی انبیای الهی پرداخته است و کوشیده تا ارتباطات کلامی ایشان را در خلال آیات قرآن کریم، و به طور خاص با تکیه بر آیات سوره مبارکه غافر، بر اساس نظریه مذکور، مورد واکاوی قرار دهد و از این رهگذر، نحوه ارائه پیام، نقش زبان، و در نهایت طرح و شاکله‌ای کلی از نقش‌های زبانی پیامبران را بر اساس نظریه ارتباط یاکوبسن، شناسایی و بررسی نماید. علت انتخاب سوره مذکور، به دلیل وجود انواع کارکردهای زبانی بر اساس نظریه یاکوبسن در گفتگوها

1) Roman Jakobson.: 1896-1982.

و ارتباطات کلامی پیامبران در این سوره است.

از دیگر سو، به دلیل اینکه «وظیفه اصلی زبان، عبارت است از بیان اطلاعات واقعی یا دادن دستورهای ضروری؛ و این وظیفه، وظیفه رهنمودی زبان یا به طور ساده‌تر، بیان اطلاعاتی نامیده می‌شود.» (ایچیسون، ۱۳۷۶: ۳۴)، پژوهش پیش‌رو کوشیده این وظیفه رهنمودی را به وظیفه رهنمودی و هدایت‌گری پیامبران گره زده و از این چشم‌انداز، وجوه متعدّد برتری زبان بر سایر نظام‌های ارتباطی را با اهمیت اصل نبوت و رسالت هدایت پیامبران پیوند بزند؛ به عنوان نمونه، سیستم یا نظام زبان که «از نسلی به نسل دیگر و از عصری به عصر دیگر، وظیفه ارتباطی خود را انجام داده، پیام گذشتگان را به آیندگان می‌رساند» (باقری، ۱۳۸۹: ۷۲)، می‌تواند از جهتی مشابه وظیفه و رسالت پیامبران از آدم تا خاتم لحاظ گردد؛ چرا که دستورها و فرامین قدسی و آموزه‌ها و تعالیم الهی ایشان نیز که نیاز ریشه‌دار نوع بشر بوده، نسل به نسل در حال انتقال به همه امت‌ها برای هدایت و سعادت مردمان است.

۱.۱. اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، علاوه بر تبیین جایگاه ارتباطات کلامی و شیوه‌های آن در سیره انبیاء و پیامبران (ص)، تحلیل فرایند این ارتباطات بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن و کارکردهای شش‌گانه زبانی در آن است. از همین رو جهت نیل به این اهداف و به دلیل گستردگی موضوع، سوره مبارکه غافر به عنوان محدوده پژوهش و بررسی ارتباطات کلامی پیامبران انتخاب شده است.

۲.۱. پرسش‌های پژوهش

در این تحقیق به سه پرسش زیر پاسخ خواهیم داد:

- یا توجّه به سوره مبارکه غافر، پیامبران با چه شیوه‌ها و ابزارهای ارتباطی توانسته‌اند به بهترین شکل با موافقان و مخالفان قوم خود، ارتباط برقرار کنند؟
- میان ساختار جملات در کلام پیامبران و الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن در سوره مذکور، چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بر اساس نظریه ارتباطات زبانی یاکوبسن، روش غالب پیامبران در ارتباطات کلامی خود با اقوام‌شان، بیشتر مبتنی بر کدام یک از نقش‌های شش‌گانه زبانی است؟

۳.۱. فرضیه‌های پژوهش

- پیامبران با به‌کارگیری کلام فصیح و بلیغ و سازوکارهای ارتباطات کلامی مانند استفاده از فنون ترغیب و اقناع، خطابه و سخنوری و بهره‌گیری از راهکارهایی همچون مناظره و احیاناً تمسک به شیوه‌هایی همانند زبان و بیان ادبی موافقان و مخالفان قوم خود، ارتباط

برقرار نمودند.

- میان ساختار جملات در کلام پیامبران و الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، ارتباط معناداری وجود دارد.

- بر اساس نظریه ارتباطات زبانی یاکوبسن و با توجه به رسالت هدایت پیامبران و ویژگی تعلیمی و آگاهی بخشی در سخنان و رهنمودهای ایشان، نقش ارجاعی؛ و به سبب مخاطب محور بودن سخنانشان، نقش ترغیبی زبان نسبت به سایر نقش های زبانی غالب تر بوده است.

۱. ۴. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش مانند سایر پژوهش های علوم انسانی، به صورت کتابخانه ای و بر اساس اصول فیش برداری، روش توصیفی-تحلیلی و اسنادی، شیوه استقرایی و رویکرد زبان شناسانه مبتنی بر نظریه الگوهای ارتباط کلامی یاکوبسن مبتنی است.

۱. ۵. پیشینه پژوهش

در رابطه با بررسی ارتباط کلامی در متون ادبی و دینی به ویژه قرآن کریم با نظریه یاکوبسن، مطالعاتی صورت گرفته که به برخی اشاره می شود:

- اخوان مقدم در مقاله «تحلیل نشانه شناختی چگونگی وحی بر اساس مدل یاکوبسن» و با تکیه بر مفهوم نزول از منظر ایزوتسو (پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۴۰۰)، با تکیه بر رویکرد نشانه شناسی به بررسی وحی از منظر قرآن کریم پرداخته و آرای کسانی چون یاکوبسن و ایزوتسو را در این باره مورد تحلیل قرار داده است.

- انصاری در مقاله «نقش های زبانی و کارکرد پیام در نامه های نهج البلاغه بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن» (لسان مبین، ۱۴۰۰)، تلاش دارد تا با انطباق این الگو بر نامه های نهج البلاغه، افزون بر تعیین نقش های زبانی، تأثیر مقصود گوینده و نوع دریافت کننده را در کارکرد زبان بررسی نماید.

- نجفی و دیگران در مقاله «آداب مکالمه انسان با خدا بر اساس مدل ارتباطی دیوید برلو و نظریه یاکوبسن (با تکیه بر آثار منشور عرفانی تا قرن هفتم)» (ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ۱۳۹۷)، به تبیین انواع سخن گفتن انسان با خدا اعم از نماز، دعا، مناجات و راه های ارتباط خداوند با انسان شامل وحی و الهام پرداخته اند.

- سلیمی و انصاری در مقاله «تمایز سوره های مکی و مدنی بر اساس نقش های زبانی (مطالعه موردی سوره های مریم و طه، نور و احزاب بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن)» (پژوهش های ادبی-قرآنی، ۱۴۰۰)، به بررسی نقش های زبانی در سوره های مذکور بر اساس نظریه فوق پرداخته اند.

- خلیفه شوشتری و لطفی کرج در مقاله «تحلیل و بررسی برجسته‌سازی واژگانی در سوره مبارکه غافر» (پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱۳۹۸)، به بیان نوع انتخاب واژه‌ها و گزینش آنها در بستر فصاحت و اعجاز قرآن کریم در سوره غافر می‌پردازند.

بر همین اساس و با بررسی پایگاه‌های اسنادی و اطلاعات علمی کشور، تاکنون پژوهش یا اثری که به طور مشخص به بررسی ارتباطات کلامی پیامبران با اقوام خود بر اساس نظریه ارتباط کلامی یاکوبسن در سوره مبارکه غافر انجام شده باشد، نپرداخته است.

۲. چارچوب نظری

۱.۲. نظریه ارتباطی یاکوبسن و نقش‌های زبانی

نظریه ارتباطات کلامی یا فرآیند ارتباطی زبان که در میراث علمی مسلمانان و در بلاغت اسلامی نیز ریشه داشته، نخستین بار توسط رومن یاکوبسن (R. Jakobson)، فرمالیست برجسته روسی و «یکی از توانا‌ترین متفکران در تاریخ تفکر قرن بیستم» (مقدادی، ۱۳۹۷: ۵۶۷) ارائه شده است. با این توضیح که ابویعقوب سجستانی، اندیشمند شیعی ایرانی در قرن چهارم در کتاب «کشف المحجوب» خود، به بررسی آن پرداخته، زبان، ویژگی‌ها و کارکردهای آن را مورد واکاوی قرار داده، نظام ذهن و زبان، وجوه و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن و چگونگی تحقق و عدم تحقق ارتباط زبانی را به دقت بررسی کرده است. با مقایسه آراء وی با نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن، درمی‌یابیم که نظریه و مدل ارتباطی مستخرج از آراء وی، به لحاظ دقت و کارآمدی، دست کمی از نظریه و مدل ارتباطی یاکوبسن ندارد؛ ولی متأسفانه آراء ارزشمند وی مورد غفلت واقع شده و از خلال آثارش، استخراج و به صورت نظریه‌ای منسجم و علمی، ارائه نگردیده است. (ر.ک: جلال و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹)

این نظریه که «یکی از کامل‌ترین طرح‌ها در تبیین ارتباط کلامی است و اهمیت زیادی در کشف معانی و اهداف در فرآیند ارتباطات اجتماعی دارد» (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳)، ناظر بر این است که زبان در فرآیند ارتباطی خود، غالباً گرایش به معنا دارد. افراد و گروه‌ها متأثر از بافت و موقعیت فردی یا اجتماعی خویش به اشکال مختلف، از نقش‌های زبانی برای انتقال معنا و مفهوم استفاده می‌کنند. در نظریه ارتباطی یاکوبسن، زبان مرتبط با عوامل درونی آن؛ اعم از گوینده، فرستنده و پیام بررسی می‌شود؛ زیرا فهم معنا نیازمند شناخت همه جانبه زبان است. (سلیمی و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۰۱)

نظریه ارتباط یا فرآیند ارتباطی زبان یاکوبسن بر این مسأله اشاره دارد که صرف نظر از هر موضوع زبانی، در فرآیند ارتباط با پیامی روبرو هستیم؛ یعنی پیام، محور اصلی ارتباط است. نظریه یاکوبسن، ارائه طرحی کلی از نقش‌های زبان را مستلزم بررسی اجمالی عوامل سازنده هر تحقق گفتاری، یعنی هر کنش ارتباط کلامی می‌داند. فرستنده، پیامی را برای

گیرنده می فرستد؛ این پیام برای آن که بتواند مؤثر باشد باید به موضوعی اشاره کند؛ موضوع باید برای گیرنده، قابل درک باشد و به صورت کلامی مطرح گردد یا بتواند در قالب کلام، بیان شود. در این میان، رمزگانی نیز مورد نیاز است که باید برای فرستنده و گیرنده، شناخته شده باشد. سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است؛ مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دوی آنان، این امکان را می دهد که ارتباط برقرار کنند. این شش عامل حضورشان در ارتباط کلامی ضروری است. (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۱)

دیدگاه ارتباطی یاکوبسن ضمن این که بیان می دارد «در هر متنی جهت گیری به سوی یکی از عوامل ارتباطی، بسامد بیشتری دارد» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۶۷)؛ ولی در عین حال تأکید می کند که «ما در متن تنها با یک عامل ارتباطی روبرو نیستیم؛ بلکه قدرت متن می تواند وابسته به چند عامل ارتباطی باشد؛ اما همواره یکی از این عوامل پرنرنگ تر است و می تواند از ملاک های اساسی برای تعیین گونه و سبک متن در نظر گرفته شود. عواملی همچون (چه چیزی را)، (به چه کسی) و (چطور گفتن) در تعیین گونه یک متن مؤثرند. درک هر یک از این جنبه ها در متن باید پیوسته و در کنار هم صورت گیرد.» (همان: ۲۶۷)

یاکوبسن کارکرد هر یک از عناصر ارتباطی را به دقت شرح داده و هر یک را به نامی خوانده؛ کارکرد فرستنده را عاطفی؛ کارکرد زمینه را ارجاعی؛ کارکرد تماس را همدلی؛ کارکرد کد را فرازبانی؛ کارکرد گیرنده را کنشی؛ و کارکرد پیام را ادبی نامیده است. (احمدی، ۱۳۷۰: ۶۶) وی که معتقد است در هر ارتباط، عناصر متفاوت به شکل کارکردهای متفاوتی ظاهر می شوند، برای تحقق هر کنش ارتباطی از شش عامل: فرستنده یا رمزگذار، گیرنده یا رمزگردان؛ پیام، موضوع و مجرای ارتباطی، نام می برد و این شش عنصر را که حامل پیام و معنی اند را تعیین کننده نقش های شش گانه زبان دانسته، معتقد است هر کدام از این عناصر بر اساس کارکردشان در جمله، نقش های متفاوتی ایجاد می کنند؛ به عبارت دیگر تکیه هر ارتباط کلامی بر یکی از این شش عامل، موجب ایجاد نقشی خاص در فرآیند ارتباطی می شود. (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۱۱۶)

یکی از مهم ترین آرای یاکوبسن در زمینه مطالعات ادبی و زبانی، بررسی همین نقش های زبانی است. وی معتقد است که «گوینده از طریق مجرای فیزیکی، پیامی را برای مخاطب می فرستد و این پیام، زمانی مؤثر واقع می شود که انتقال دهنده معنایی باشد.» (فالر و دیگران، ۱۳۶۹: ۷۷) الگوی یاکوبسن، هم به مدل های خطی شباهت دارد و هم الگوهای سه ضلعی. او زبان شناس است و به «معنا» و «ساختار درونی» پیام علاقه دارد. پس روی شکاف مکتب های «فرایند» و «معنا» پل می زند. الگوی دوگانه او، با تعریف عوامل شش گانه سازنده (شکل دهنده) ارتباط آغاز می شود؛ سپس کارکردهایی را برمی شمارد که این عمل ارتباطی را برای هر عاملی انجام می دهد.

یاکوبسن مسأله حضور نقش های اساسی شش گانه موجود در زبان، توجه به مصداق،

گوینده، شنونده، رابطه میان آن‌ها و نهایتاً خود پیام، تحلیل تطبیقی ساخت‌هایی که از طریق تمرکز چشمگیر بر پیام (نقش هنری) یا به عبارت دیگر از طریق بررسی همزمان هنرهای کلامی، موسیقی، نقاشی، تئاتر و فیلم حاصل می‌شود را از ضروری‌ترین و ارزشمندترین وظایف علم نشانه‌شناسی می‌داند. (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۴۰) به اعتقاد یاکوبسن، تأکید بر هر یک از عوامل مؤثر در کنش ارتباطی، می‌تواند به ظهور یکی از نقش‌های زبان بینجامد.

۲.۲. کارکردهای شش‌گانه زبان در نظریه یاکوبسن

۲.۲.۱. کارکرد عاطفی^۱: «این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد؛ خواه آن احساس را داشته باشد، خواه وانمود کند که چنین احساسی را دارد. عبارت‌هایی مانند: «بخشکی شانس»، «آخیش»، «نچ‌نچ»، «ای‌وای» و غیره.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۶۶؛ آقابابایی و صفوی، ۱۳۹۵: ۱۴) این نقش در تقابل با نقش ارجاعی قرار می‌گیرد. در نقش عاطفی سعی بر افزودن تنوع‌های معنایی است؛ ولی در نقش ارجاعی، جلوی هر نوع «چندگانگی معنایی» گرفته می‌شود؛ در واقع نقش عاطفی، زبان حال گوینده است که تجلی می‌یابد. (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۸۰؛ به نقل از رفیعی و مراد صحرائی، ۱۳۹۲: ۲۳) هنگامی که ما با پیام ارتباط برقرار می‌کنیم، می‌توانیم نگرش خود را نسبت به آن موضوع هم ابراز کنیم و بگوییم آن پدیده، به نظر ما خوب است یا بد، زشت است یا زیبا، مطلوب است یا منفور، مؤدبانه است یا تمسخرآمیز. لذا این کارکرد را می‌توان «کارکرد احساسی» یا «کارکرد ذهنی» هم نامید؛ چون برای بیان احساسات و حالات درونی به کار می‌رود. مانند: آه، چه باران زیبایی! «نقش عاطفی یا بیانی زبان با جهت‌گیری به سمت فرستنده پدید می‌آید و نمایان‌گر احساس مستقیم گوینده از موضوعی است که درباره‌اش صحبت می‌کند.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۲)

۲.۲.۲. کارکرد ترغیبی^۲: این کارکرد رابطه میان پیام و گیرنده را مشخص می‌کند. چون هدف هرگونه ارتباط، ایجاد واکنش نزد گیرنده است. حکم می‌تواند عقل گیرنده یا احساس او را هدف خود قرار دهد. در نتیجه، در این سطح هم می‌توان محتوای ارجاعی را با دلالت‌های عینی-شناختی دید و هم محتوای عاطفی را با دلالت‌های ذهنی-احساسی. این کارکرد، نقش بسیار مهمی در تبلیغات دارد که در آن‌جا، هم اطلاع‌رسانی و هم برانگیختن احساسات مخاطب به موازات هم وجود دارد. مثال: «اینجا بمان تا باران بند بیاید»؛ در این کارکرد، پیام به سوی مخاطب جهت می‌یابد. کارکرد کنشی یا ترغیبی به سوی دوم شخص گرایش دارد. یاکوبسن معتقد است این کارکرد در شعر تعلیمی و مدح، نمود می‌یابد. ساخت‌های امری و ندایی از بارزترین نمونه‌های این کارکرد هستند. (همان: ۸۷)

1) Emotive function.

2) Conative function.

۲.۲.۳. کارکرد ارجاعی^۱: در این نقش، جهت‌گیری پیام به سمت موضوع یا زمینه پیام است. جملات اخباری معمولاً از این نوع نقش برخوردارند. این نقش، «توصیفی و بیانی» نیز نامیده می‌شود. در این نقش، جملات قابل صدق و کذب بوده؛ زیرا از نوع جملات اخباری هستند. در این جا مسأله مهم، فرمول‌بندی اطلاعات حقیقی، عینی، قابل مشاهده و اثبات‌پذیر در باب مرجع پیام است. این کارکرد را می‌توان «کارکرد شناختی» یا «کارکرد عینی» هم نامید. مانند جملات صریح و مستقیم خبری: «دارد باران می‌آید»؛ این کارکرد رابطه میان پیام و فرستنده را رقم می‌زند. (ر.ک: صفوی، ۱۳۹۰: ۲) «در کارکرد ارجاعی، سوم شخص نقش بارزی دارد و بارزترین نمونه این کارکرد در ساخت‌های اخباری، نمود می‌یابد.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳؛ علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۳)

۲.۲.۴. کارکرد فرازبانی^۲: هدف این کارکرد، روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که ممکن است گیرنده آن‌ها را نفهمد. مثلاً کلمه‌ای در گیومه قرار می‌گیرد یا توضیح داده می‌شود. در اینجا مرجع پیام، خود «رمزگان» است. انتخاب رسانه نیز به کارکرد فرازبانی مربوط می‌شود؛ کادر یک تابلو، و طرح روی جلد یک کتاب، که ماهیت رمزگان را به نمایش می‌گذارد، انواع دیگری از کارکرد فرازبانی است. «یاکوبسن کارکرد یک پیام را که به رمزگان مرتبط می‌شود، فرازبانی می‌خواند» (به نقل از: احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۱) در شرایطی که گوینده یا مخاطب احساس کنند باید از مشترک بودن رمزی استفاده کنند، باید اطمینان یابند از زبان برای صحبت درباره خود زبان بهره می‌برند و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شوند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲)

۲.۲.۵. کارکرد همدلی^۳: در این نقش، «جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی است و هدف از پیام، ایجاد ارتباط و اطمینان از تداوم یا قطع آن است.» (سلیمی و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۰۳) این پیام‌ها کلامی هستند و از سر عادت یا قرارداد وضع می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۰: ۶۶) به نظر یاکوبسن «پیام‌هایی که با هدف جلب توجه مخاطب صادر می‌شوند تا مشخص شود که مخاطب به سخن گوش می‌دهد یا نه نقش همدلی ایجاد می‌کنند.» (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴) هدف اصلی برخی از پیام‌ها این است که ارتباطی را برقرار کنند، آن را ادامه دهند یا قطع کنند.

۲.۲.۶. کارکرد ادبی^۴: در این کارکرد، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است و توجه مخاطب بیش از محتوا، به شکل پیام جلب می‌شود. اگر شکل انتقال پیام بیشتر از بار اطلاعاتی‌اش ارزش داشته باشد، توجه به خود پیام معطوف می‌شود. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۴) باید اذعان کرد که مرز قاطعی میان نقش‌های زبان وجود ندارد؛ مثلاً ممکن است در متنی در

1) Referential function.
 2) Metalinguistic function.
 3) Phatic function.
 4) Poetic function.

عین غلبه نقش ادبی؛ نقش‌های عاطفی و ارجاعی هم مطرح باشد، چنانکه خود یاکوبسن نیز بدان تصریح کرده است (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵): «گرچه بین شش وجه عمده زبان فرق قائل می‌شویم، مشکل بتوان پیامی کلامی یافت که فقط یک کارکرد واحد داشته باشد! گوناگون بودن نقش‌ها و کارکردهای یک پیام در این نیست که یکی از این چند کارکرد؛ نقشی انحصاری در آن پیام باشد؛ بلکه در این است که ترتیب سلسله مراتب این کارکردها متفاوت باشد.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۷۳)

در ادامه، پس از تحلیل محتوایی نمونه‌هایی از سخنان و عبارات پیامبران (ع) و دلالت‌های آن‌ها در سوره مبارکه غافر، عناصر زبانی آن‌ها و کارکردهای شش‌گانه در ارتباطات کلامی ایشان با توجه به فرستندگان و گیرندگان کلام، منطبق با مؤلفه‌های ارتباطی یاکوبسن مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۳. بحث و بررسی

۳.۱. درآمد

پیش‌تر اشاره شد که نقش‌ها و کارکردهای زبان، متنوع و متعدد بوده و از میان آن‌ها نقش ارتباطی آن، بسیار مهم و پررنگ می‌نماید. زبان با انتقال اطلاعات و معارف بشری بین نسل‌ها و عصرها، راه تکامل را هموار ساخته و ملت‌ها، پیشینه و اندوخته‌های فرهنگی خود را مدیون این کارکرد زبان هستند. «تکامل اجتماعی انسان از طریق جامعه منتقل می‌شود و تنها وسیله‌ای که جامعه برای این انتقال در اختیار دارد زبان است.» (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۴) در این راستا پیامبران الهی نیز با شیوه‌های گوناگون زبانی و کلامی، با اقوام خود اعم از موافقان و مخالفان ارتباط برقرار می‌کردند و در ارتباطات کلامی خود به ظرفیت خرد و دانایی آن‌ها توجه داشتند؛ به گونه‌ای که با هر کس به مقدار عقل و فهم او سخن می‌گفتند؛ چنان که در روایتی مشهور آمده است: «أمرنا معاشرَ الأنبياءِ أن نكلّمَ النَّاسَ على قدرِ عقولهم»؛ (به ما گروه پیامبران امر شده که با مردم به میزان خردشان سخن بگوییم.) (باخرزی، ۱۳۸۳: ۵۷)

پیامبران الهی (ع) در سخن گفتن با دیگران، مستقیم یا غیرمستقیم از زبان برای بازنمایی افکار، احوال و عواطف خود، بازشناسی و بازسازی عقاید مخاطب، ایجاد انفعال نفسانی در مخاطب و در نتیجه تغییر رفتار و تعلیم او، رازگشایی از اسرار، رفع نیاز سائلان، تهدید و تنبیه مخالفان، تشویق مریدان یا دیگر کسان، بهره برده‌اند. در شیوه مستقیم معمولاً شخص یا جماعتی خاص را مخاطب قرار می‌دادند و با سخنان پرمحتوا و موجز خویش به تغییر رفتار و افکارشان کمک می‌کردند. در برخی موارد نیز با استفاده از تمثیل و حکایت به طور غیر مستقیم، افراد را متوجه اشتباه خویش می‌ساختند و به ایجاد تغییر در رفتار و نگرش آنان همّت می‌گماردند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱)؛ چنانکه یحیی باخرزی (۱۳۸۳: ۱۵۷)

در کتاب «أوراد الأحاباب و فصوص الآداب»، هدف اساسی از ترجیح سخن بر سکوت را نفع خلق و ارشاد و طلب نجات آن‌ها دانسته است. در ادامه با تمرکز بر ارتباطات کلامی پیامبران با اقوام خود در سوره مبارکه غافر، شیوه‌های و سبک‌های مختلف این ارتباط زبانی را از منظر رویکرد یاکوبسن بررسی می‌نماییم:

۲.۳. بررسی ارتباطات کلامی پیامبران در سوره مبارکه غافر بر اساس نظریه یاکوبسن

یاکوبسن که نقش‌های زبانی و روند ایجاد ارتباط را تحلیل می‌کند، معتقد است: «گوینده، پیامی را برای مخاطب می‌فرستد؛ پیام زمانی مؤثر است که معنایی داشته باشد و باید از سوی گوینده، رمزگذاری و از سوی مخاطب رمزگشایی شود.» (فالر و دیگران، ۱۳۶۹: ۷۷) همچنین «پیام نیز از راه مجرای فیزیکی، انتقال می‌یابد. او شش عنصر تشکیل دهنده فرایند ارتباط؛ یعنی گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز پیام و موضوع را تعیین کننده نقش‌های زبان می‌داند. این شش جزء فرایند ارتباط، تعیین‌کننده کارکردهای شش‌گانه برای زبان است.» (نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

۱.۲.۳. کارکرد عاطفی

این کارکرد که «تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد» (آقابابایی و صفوی، ۱۳۹۵: ۱۴)، در آیه ۲۶ و ۲۷ از سوره مبارکه غافر نمود روشنی دارد:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ. وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ (غافر ۲۶-۲۷)

«و فرعون گفت مرا بگذارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را به یاری بطلبد (تا نجاتش دهد)؛ همانا من می‌ترسم که دین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد برپا کند. موسی گفت من از هر متکبر سرکشی که به روز حساب ایمان ندارد به پروردگار شما پناه می‌برم.»

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این آیه، فرستنده پیام، نخست فرعون، سپس حضرت موسی (ع) است؛ هرچند می‌دانیم که در قرآن کریم به طور کلی فرستنده حقیقی، خداوند است، ولی در ارتباطات کلامی که میان پیامبران و اقوام ایشان در خلال آیات قرآن کریم شکل می‌گیرد، مانند این دو آیه و آیات بعدی همین سوره که گفتگویی میان فرعون و حضرت موسی (ع) و قومشان جاری است، فرستنده غیر مستقیم، پیامبران و اقوامشان هستند؛ چنان که در این آیه به طور مشخص، فرستنده غیر مستقیم پیام، فرعون و حضرت موسی (ع) است.

در آیه نخست، فرعون که نماد حکومت طاغوت و مستکبر است، به دلیل ترس از محبوبیت و نفوذ حضرت موسی (ع)، موضوع کشتن حضرت موسی را مطرح می‌کند و

با به کار بردن فعل «أخاف»، احساس ترس شدید خود را بیان می‌دارد و همین امر کارکرد عاطفی زبان را تقویت می‌کند.

کارکرد عاطفی در آیه بعدی نیز همان تأثیری است که از احساس خاص فرستنده پیام؛ یعنی حضرت موسی (ع) از فرعون و قوم به‌غایت سرکش و متکبر خود دارد؛ تا حدی که از کفر و عناد و سرکشی آنان احساس استیصال نموده، با عبارت «عذتُ»، به درگاه خداوند پناه می‌برد. به دلیل استعمال جمله دعایی «عذتُ» در ابتدای سخن حضرت موسی (ع)، نقش عاطفی زبان، کارکرد برجسته‌تری می‌یابد. باز هم از آنجا که ساختار صرفی فعل «عذتُ»، صیغه متکلم وحده است، تأکید کلام بر گوینده یا فرستنده پیام بوده و از همین رو، نقش عاطفی زبان، غالب است؛ چرا که به اعتقاد یاکوبسن در کارکرد عاطفی «جهت‌گیری پیام به سمت گوینده است.» (نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

هر چند ساختار دستوری این آیه، جمله خبری بوده و در نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن، جملات خبری که قابل صدق و کذب هستند، در زمره کارکرد ارجاعی کلام قرار می‌گیرند؛ اما ممکن است گاهی جمله در قالب خبر، ولی برای تحریک محبت، جلب احساس ترحم و دلسوزی مخاطب، و یا معانی ثانویه دیگر بیان شده باشد. در این آیه نیز به دلیل القای معنای ثانویه، کارکرد غالب، کارکرد عاطفی زبان است.

با این توضیحات، کارکرد عاطفی در آیه ۳۲ همین سوره نیز نمود یافته است:

﴿وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾ (غافر/۳۲)؛ «ای قوم من! بی‌تردید من از روزی که مردم یکدیگر را [برای نجات خود از عذاب خدا] می‌دهند، بر شما می‌ترسم.»

در اینجا نیز بیان احساس ترس و خوف فرستنده و نیز جهت پیام که به سوی فرستنده پیام است، کارکرد عاطفی در این آیه شریفه را برجسته و پررنگ می‌سازد.

۳.۲.۲. کارکرد ارجاعی

در این نقش، «جهت‌گیری پیام به سمت موضوع است. جملات اخباری معمولاً از این نوع نقش برخوردارند. این نقش، توصیفی و بیانی نیز نامیده می‌شود و در آن، جملات قابل صدق و کذب هستند؛ زیرا از نوع جملات اخباری هستند.» (صفوی، ۱۳۹۰: ۲)

در خصوص ارتباطات کلامی پیامبران، به دلیل رسالت هدایت‌گری و نقش رهنمودی ایشان که تکیه و اهمیت بر موضوع پیام متمرکز است، نمونه‌های این کارکرد در ارتباطات کلامی پیامبران بسیار متعدد و متنوع است. مهم‌ترین نکته در این نقش، موضوع پیام و امکان بررسی صحت و سقم موضوع است. این نقش و اهمیت آن، موجب می‌شود که گوینده، جمله را به صورتی کاملاً روشن و بدون استفاده از واژه‌های چندمعنایی به گونه‌ای ادا کند که امکان بروز ابهام در معنای جمله میسر نشود. «در کارکرد ارجاعی، تأکید بر بافت غیر زبانی

است که در روند کنش ارتباطی به آن اشاره می‌شود و عوامل دیگر همچون ویژگی‌های گوینده، مخاطب یا صورت گفته، اهمیت کمتری دارند.» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۸) نمونه‌های بسیاری در ارتباطات کلامی پیامبران با اقوام خود در سوره غافر و دیگر سوره‌ها می‌توان یافت؛ از جمله بخش پایانی آیه ۴۴ سوره غافر:

﴿فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفُوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (غافر/۴۴)؛ «پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد و کارم را به خدا می‌سپارم؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست.»

از آن‌جا که در عبارت موجز «إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»، تکیه و اهمیت بر موضوع پیام متمرکز است نه عنصر دیگری، کارکرد ارجاعی غلبه دارد.

۳.۲.۳. کارکرد ترغیبی

استفاده از فنون اقناع و ترغیب جهت ابلاغ رسالت به مردم در میان پیامبران، کارکرد برجسته‌ای داشته است. اقناع و ترغیب، دو مقوله‌ای هستند که طبق نظر دانشمندان علوم ارتباطات، نقش بسیار مهمی در ارتباط دارند؛ چرا که اگر افراد قانع نشوند، ترغیب نیز صورت نمی‌گیرد. اقناع و ترغیب زمانی صورت می‌گیرد که در عملکرد افراد، تغییری حاصل شود و گفتار و کردار آنان را تحت تأثیر قرار دهد. (ر.ک: تفضلی و اکبری نصرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۷) سیره پیامبران سرشار از مکالمه‌ها، خطابه‌ها و گفتگوهای اقناعی و ترغیبی است؛ پیامبر اسلام (ص) نیز با طرح موضوعات فطری و انسانی و استدلالی، مردم را به سوی یکتاپرستی دعوت کرده، در جهت اقناع و ترغیب مردم برای دعوت کوشش می‌کردند. پذیرش اسلام ظرف مدت کوتاه به ویژه از سوی دانشمندان آن زمان، نشان دهنده اهمیت ارتباطات کلامی پیامبر (ص) در جهت اقناع و مهم‌تر از آن ترغیب مخاطبان در دست کشیدن از دین پدران خود و گرایش به اسلام است. (همان)

در نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن، هنگامی که ارتباط، بر گیرنده متمرکز باشد، کارکرد ترغیبی برتری می‌یابد. در ارتباطات کلامی پیامبران نیز که هدف، ایجاد ترغیب و کنش در گیرندگان یا مخاطب بوده است، طبیعی است که کارکرد ترغیبی زبان غالب باشد تا انگیزه حرکت به سوی خدا در وجودشان ایجاد شود. پیامبران با دادن آگاهی و آموزش و وعده‌های نیک به مردمان اقوام خویش، مهارت، دانش و انگیزه لازم برای برقراری ارتباط را ایجاد می‌کردند؛ این ترغیب بی‌گمان در میان بندگان خاص، نمود بیشتری می‌یابد. بنابراین در نقش ترغیبی زبان که پیام به سوی مخاطب جهت می‌یابد، کارکرد کنشی به سوی دوم شخص گرایش دارد. به اعتقاد یاکوبسن «این کارکرد در شعر تعلیمی نمود می‌یابد و ساخت‌های امری و ندایی از بارزترین نمونه‌های این کارکرد هستند.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳) نمونه کارکرد ترغیبی در ارتباطات کلامی پیامبران، آیات ۳۹ تا ۴۴ سوره غافر نمود یافته

است. نقش و کارکرد ترغیبی در این آیات به این صورت است که گفتگویی میان پیامبر و قومش در حال شکل‌گیری است. پیام آیات، آگاه ساختن قوم از ماهیت مادی و موقت زندگانی دنیوی و در مقابل، آرامش ابدی زندگی اخروی است؛ و در نتیجه، تشویق و ترغیب ساختن قوم به زندگی اخروی است. فرستنده حقیقی، خداوند متعال است؛ ولی این گفتگو از زبان پیامبر خطاب به قومش که گیرنده پیام است جاری می‌شود. جهت پیام، هدایت‌گری و انذار و جهت‌گیری آن، به سوی مخاطب است که با توجه به آیات پیشین این سوره، قوم حضرت موسی (ع) است:

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر/۳۹): «ای قوم من! این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است.»

ساخت نحوی ندایی این آیه در همان ابتدا، یادآور کنش ترغیبی یاکوبسن است و قابل صدق و کذب بودن موضوع پیام، یادآور کنش ارجاعی است.

﴿مَنْ عَمِلَ سَبِيئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (غافر/۴۰): «هر که بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی‌یابد و هر که کار شایسته کند، چه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب روزی می‌یابند.»

در این آیه از آنجا که به طور غیرمستقیم از قوم خود می‌خواهد که از ارتکاب سیئات دوری کنند و اعمال صالح انجام دهند، یعنی با اینکه ظاهر جمله‌ها در سیاق امر و نهی نیست؛ اما معانی ثانویه عبارات، کارکرد امری و نقش ترغیبی به انجام اعمال صالح و دوری از سیئات دارد؛ بنابراین باز هم دارای کارکرد کنشی است. همچنین با قرار دادن انذار و تبشیر در کنار هم و برقراری صنعت مقابله میان آن دو، ترغیب و کنشی در میان مخاطب که قوم حضرت موسی (ع) است، ایجاد می‌شود تا با دادن آگاهی و نحوه انجام کار، مخاطب خود را ترغیب سازد تا علاوه بر اینکه اعمال نیک انجام دهند، از انجام اعمال ناپسند نیز برحذر بمانند و بدین وسیله، انگیزه انجام اعمال نیک را در آن‌ها تقویت کند. ضمن این که کارکرد ترغیبی در این آیه با ساخت نحوی ندایی در آیه پیش و پس از این آیه نیز تناسب و هماهنگی دارد. به باور یاکوبسن، «تظاهر این نقش در ساخت‌های ندایی و امری است؛ بنابراین قابل تصدیق و تکذیب هم نیست و جهت‌گیری و تأکید به سوی مخاطب است.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۷۴)؛ مسأله‌ای که هم در این آیه و هم در آیات بعدی به روشنی دیده می‌شود.

﴿وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ﴾ (غافر/۴۱): «وای قوم من چه شده است که من شما را به نجات فرا می‌خوانم و [شما] مرا به آتش فرا می‌خوانید.»

پیام این آیه نیز بر هدایت‌گری متمرکز است که با خطاب قرار دادن قوم، بازنمایی می‌شود. هرچند یاکوبسن معتقد است، «لایه صرفاً عاطفی زبان در عبارات تعجبی تجلی می‌یابد و

علی‌رغم این‌که این عبارت، ساختار تعجب ندارد؛ اما به نوعی در معنای تعجب هم به کار رفته است؛ تعجب پیامبر از این‌که قوم و مخاطب ایشان، دعوت به سوی هدایت و نجات ایشان را نادیده گرفته و از این‌هم فراتر او را به کیش و آیین خودشان که جز آتش جهنم فرجامی ندارد فرا می‌خوانند! همچنین به دلیل این‌که موضوع پیام در این آیات، در دنیای بیرونی قابل صدق و کذب نیست و پیام در ارتباط با خود گوینده است (مالی اُدعوکم...؛ و گوینده نیز به انتقال احساسات و عواطف و احوال درونی خویش پرداخته و به گونه‌ای حدیث نفس می‌کند، دارای کارکرد عاطفی هم هست. در واقع می‌توان چنین گفت که تداخل کارکرد در میان این آیات، مشاهده می‌شود؛ یعنی از منظری می‌توان آیه را عاطفی و از سوی دیگر با توجه به ساخت نحوی یا مخاطب‌گون بودن کلام، دارای نقش ترغیبی دانست.

نمونه دیگر نقش ترغیبی ارتباطات کلامی پیامبران که در همین سوره یعنی سوره مبارکه غافر مصداق روشنی دارد، آیه ۲۹ است که ناظر بر ارتباط کلامی دوسویه‌ای میان فرستنده و گیرنده پیام است. صرف نظر از فرستنده حقیقی که خداوند متعال است، فرستنده غیر مستقیم حضرت موسی (ع) و گیرنده پیام، قوم غیر مؤمن و در رأس ایشان فرعون است:

﴿يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾ (غافر/۲۹)؛ «ای قوم من! امروز فرمانروایی و حکومت برای شماست که در این سرزمین پیروز هستید؛ ولی اگر عذاب خدا به سوی ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد داد؟ فرعون گفت من جز آن‌چه را که {صواب} می‌بینم و به آن یقین دارم (و آن، انکار موسی و کشتن او و تقویت حکومت من است) به شما ارائه نمی‌کنم و شما را جز به راه راست، هدایت نمی‌کنم.»

با اینکه ساخت آیه، جملات امر و نهی نیست؛ اما علاوه بر ساختار ندایی در فراز آغازین آیه، مخاطب‌گون بودن پیام و اینکه پیام به سوی مخاطب جهت می‌یابد، معنای ثانوی عبارات و جملات که تشویق و ترغیب حضرت موسی (ع) به راه درست و در مقابل نهی از گمراهی است، از مواردی است که کارکرد ترغیبی را در این آیه پررنگ می‌سازد. همچنین می‌توان این آیه را بنا بر جمله پرسشی «فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ ..»، دارای کارکرد همدلی نیز دانست؛ چرا که اولاً با هدف جلب توجه مخاطب صادر شده است، و ثانیاً «جهت‌گیری پیام به سوی ایجاد تماس» (نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۱۵۸) بوده است؛ اما بخش پایانی آیه که پاسخ فرعون است: «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»، به طور قطع دارای کارکرد ارجاعی آن هم با تأکید بالایی است.

۳. ۲. ۴. کارکرد فرازبانی

ابزارهای ارتباطات کلامی با توجه حیات فکری، اعتقادی و اجتماعی انسان و در جهت گسترش افکار و عقاید به خدمت گرفته می‌شوند و در هر عصر، متناسب با همان عصر

کاربرد دارند. در گذشته‌های دور، انسان با استفاده از آتش و دود، صدای طبل، و علائم رمزگون دیگر، مکنونات قلبی، عقاید و پیام‌های خود را به دیگران منتقل می‌کرده و زمانی هم با نوشتن و قلم، خطوط هندسی، اشکال و ... اقدام به برقراری ارتباط نموده است. (رهبر، ۱۳۷۱: ۳۵۱) پیامبران الهی نیز گاه کلمات و عباراتی را تعیین می‌کردند که هم به منزله اسم رمز تلقی می‌شد و هم واسطه شناسایی افراد مرتبط بود، و بدین صورت اطلاع‌رسانی و ارتباطات به صورت کاملاً علمی و فنی جریان داشت (واقعی، ۱۳۸۶: ۲/۳۴۶)؛ به این معنا که در زمینه اطلاعات و ارتباطات، رسم بر این بود که زبان پیام‌های شفاهی یا کتبی به زبانی با الفبای رمزی تبدیل می‌شد، به گونه‌ای که کسی جز فرستنده و گیرنده از محتوای آن آگاه نگردند. این زبان رمزی به نام کد مشهور است (تفضلی و اکبری نصرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در زمینه این نقش در ارتباطات کلامی پیامبران، می‌توان به آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه غافر اشاره نمود:

﴿وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ. مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَتَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِلْعِبَادِ﴾ (غافر/ ۳۰-۳۱)؛ «و کسی که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من من از [روزی] مثل روز دسته‌ها [ی مخالف خدا] بر شما می‌ترسم. (از سرنوشتی) نظیر سرنوشت قوم نوح و عاد و تمود و کسانی که پس از آنها [آمدند] و [گرنه] خدا بر بندگان [خود] ستم نمی‌خواهد.»

افزون بر کارکرد عاطفی عبارت «إِنِّي إِخَافُ عَلَيْكُمْ» که توضیح آن در صفحات پیشین از نظر گذشت، ترکیب اضافی «یوم الأحزاب» به نوعی اشاره به واقعه‌ای در زمان مشخصی دارد که کسی جز فرستنده و گیرنده از محتوای آن آگاه نیست؛ مگر کسی که با مطالعه در جزئیات وقایع آن روز بدان آگاه گردد؛ لذا این ترکیب نخست، به عنوان رمز مطرح می‌شود؛ آن گاه با رمزگشایی از آن، در قالب تفسیر و تأویل و نیز با ایجاد نقش فرازبانی، با مخاطب ارتباط برقرار می‌شود.

کارکرد فرازبانی در آیه بعدی هم ادامه می‌یابد: «مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَتَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ»؛ در این آیه شریفه نیز نخست، عبارت «مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَتَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ» به عنوان رمز مطرح می‌شود؛ آن گاه با رمزگشایی از آن، در قالب تفسیر و تأویل، با ایجاد نقش فرازبانی، با مخاطب ارتباط برقرار می‌شود. بخش پایانی آیه «و ما یرید ظلماً للعباد»، کارکرد ارجاعی دارد؛ زیرا اولاً «جهت‌گیری پیام به سمت موضوع است» که موضوع پیام در این عبارت، ظلم نکردن به بندگان است. به باور یاکوبسن «جملات اخباری معمولاً از این نوع نقش برخوردارند. این نقش که توصیفی و بیانی نیز نامیده می‌شود، قابل صدق و کذب و از نوع جملات اخباری هستند.» (صفوی، ۱۳۹۰: ۲)؛ همانگونه که این جمله هم قابل صدق و کذب است و هم از نوع جملات اخباری است.

افزون بر این، آیه نخست این سوره با حروف مقطعه «حم» آغاز می‌شود. با این که حروف

مقطعه، خارج از دایره ارتباطات کلامی پیامبران با اقوامشان است و تنها میان پروردگار صاحب عرش با پیامبر اسلام (ص) است؛ اما از آنجا که حروف مقطعه از جمله رمزگانی است که تأویلش را جز خداوند، کسی نمی‌داند و چون طبق نظر یاکوبسن، در اینجا هم مرجع پیام، خود «رمزگان» است، در این آیه نیز کارکرد فرازبانی غالب است.

۳. ۲. ۵. کارکرد همدلی

در این نقش، «جهت‌گیری پیام به سوی ایجاد تماس» (نبی‌لو، ۱۳۸۷: ۱۵۸) و «مجرای ارتباطی هدف از پیام، ایجاد ارتباط و اطمینان از تداوم یا قطع آن است.» (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۷۵؛ سلیمی و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۰۳ و حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴) به نظر یاکوبسن، پیام‌هایی که با هدف جلب توجه مخاطب صادر می‌شوند تا مشخص شود که مخاطب به سخن گوش می‌دهد یا نه، نقش همدلی ایجاد می‌کنند. (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴) هدف اصلی برخی از پیام‌ها این است که ارتباطی را برقرار نموده، آن را ادامه داده یا قطع کنند. (سلیمی و انصاری، ۱۴۰۰: ۱۱۱)

از آن‌جا که ارتباطات کلامی به طور طبیعی، دو سویه یا دو طرف دارند؛ در ارتباطات کلامی پیامبران نیز گاه فرستنده پیام، خود پیامبران هستند و گاه، طرف مقابل یعنی قوم ایشان، اعم از موافقان یا مخالفان است. برای نمونه در آیه ۲۸ سوره مبارکه غافر، مردی مؤمن از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت و فاش نمی‌کرد، به تعبیر یاکوبسن برای ایجاد پیام و جلب توجه مخاطب و نیز برای همراه و همدل ساختن قوم کافرکیش حضرت موسی (ع) و یاری رساندن به آن حضرت در هدایت فرعونیان، خطاب به آن‌ها می‌گوید:

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدْكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾ (غافر/۲۸)؛ «و مرد مومنی از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت گفت: آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید: پروردگار من خداست؟ و بی تردید از سوی پروردگارتان برای شما دلایل روشنی آورده است و اگر دروغگو باشد، دروغش به زیان خود اوست و اگر راستگو باشد، برخی از عذاب‌هایی که به شما وعده می‌دهد، به شما خواهد رسید؛ زیرا خدا کسی را که اسراف‌کار و بسیار دروغگو ست هدایت نمی‌کند.»

هدف از پیام در این آیه، ایجاد ارتباط و اطمینان فرستنده پیام است که در اینجا ترکیب وصفی «رجل مومن من آل فرعون یکتُم ایمانه»، از تداوم یا قطع آن است از دید یاکوبسن نیز هدف کارکرد عاطفی هم همین است.

جمله پرسشی «أ تقتلون رجلاً أن يقول...» با اینکه سیاق و ساختار جملات تعجبی در زبان عربی را ندارد؛ ولی در عین حال، تعجب و احساس شگفتی گوینده و فرستنده پیام را می‌رساند. همین احساس شگفتی، کارکرد عاطفی زبان را برجسته می‌سازد. بنابراین با توجه

به این که پیام در کلام، اصل است، بیشتر توجه بر مفهوم عبارات متکی است نه ساختار نحوی آن.

همچنین به نظر یاکوبسن پیام‌هایی که با هدف جلب توجه مخاطب، صادر می‌شوند تا مشخص شود که مخاطب به سخن گوش می‌دهد یا نه، نقش همدلی ایجاد می‌کنند. در این آیه نیز که با هدف جلب توجه مخاطبان برای روشن ساختن و آگاه نمودن آن‌ها و اطمینان از گوش کردن آن‌ها و دریافت پیام صادر شده، این نقش به روشنی مشهود است. این آیه به دلیل مخاطب‌محور بودن، در عین حال دارای کارکرد ترغیبی نیز هست؛ البته نه با ساخت نحوی امر، بلکه به صورت غیرمستقیم کارکرد ترغیبی دارد که همان نهی غیر مستقیم از کشتن حضرت موسی (ع) است. بنابراین تداخل کارکردها به نوعی در این آیه دیده می‌شود. فراز پایانی آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾، هم کارکرد ارجاعی دارد؛ چرا که از دیدگاه یاکوبسن، جملاتی خبری که صدق و کذب‌پذیر هستند، دارای کارکرد و نقش ارجاعی نیز می‌باشند.

۳.۲.۶. کارکرد ادبی

کلام پیامبران الهی (ع) در تبشیر و انذار و به طور کلی هدایت مردم، باید با اصول فصاحت و بلاغت آمیخته باشد تا اثر خود را بر مخاطبان بگذارد؛ همچنان که حضرت موسی (ع) هنگامی که از طرف خداوند عهده‌دار هدایت فرعون شد، از پروردگار تقاضا نمود که برادرش هارون (ع) را یاور او قرار دهد؛ چرا که سخن و زبان او را فصیح‌تر و گویاتر از خود می‌دانست: ﴿وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا﴾ (قصص/۳۴)؛ یعنی آن شیوایی گفتاری که در برادرم هارون هست در من نیست؛ البته از این گفتار، فصیح بودن حضرت موسی (ع) هم دریافت می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۶۹/۷-۱۷۰) بنابراین در ارتباطات کلامی پیامبران (ع)، هم کلام باید دارای بلاغت و فصاحت و در نهایت زیبایی و مناسبت حال باشد، و با خود پیام، فرستنده پیام و هم گیرنده آن نیز باید بلیغ باشند، تا بلاغت در ارتباطات کلامی به معنای حقیقی تحقق یابد. لذا بدیهی است که قریب به اتفاق ارتباطات کلامی پیامبران در قرآن کریم، از چنین کارکرد و خصیصه‌ای برخوردار باشند، و اساساً یکی از جنبه‌های اعجاز علمی و ادبی کلام وحی، برخوردار از این نقش زبانی است.

در سوره مبارکه غافر، با فصاحت ادبی و بلاغی بی‌نظیری در گفتار پیامبران الهی مواجه هستیم؛ از جمله اینکه در آیه ۳۰ می‌فرماید:

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر/۳۹)؛ «ای قوم من این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است.»

در این آیه با کارکردی ادبی، از تشبیه بلیغ استفاده نموده، و زندگی دنیوی را همچون کالایی «متاع» دانسته است که روزی از دست آدمی خواهد یافت و جاودان و ماندگار

نخواهد بود. در مقابل، از روز آخرت با تعبیر «دار القرار» یاد کرده است تا به مخاطب خود نشان دهد که در مقابل حیات زودگذر و موقت دنیا، سرایی همیشگی و دائمی به نام آخرت وجود دارد که جایگاه سکونت واقعی و سرمدی انسان‌هاست. بدین گونه با تعبیر آخرت به «دار القرار»، در واقع «علاوه بر معنای عمومی آخرت، جنبه‌های جزئی معنای آن را نیز به مخاطب انتقال می‌دهد.» (خلیفه شوشتری و لطفی کزج، ۱۳۹۸: ۳۳)

نتیجه‌گیری

نظریه ارتباط کلامی یا کوپسن، بر این مسئله اشاره دارد که صرف نظر از هر موضوع زبانی، با پیامی روبه‌رو هستیم که آن محور اصلی ارتباط است. به باور وی، هر یک از عوامل تأثیرگذار در کنش ارتباطی، می‌تواند به ظهور نقش‌ها و کارکردهای زبانی شش‌گانه عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی و ادبی بینجامد. در این میان با تأمل در ارتباطات کلامی و گفتاری پیامبران الهی در قرآن کریم، با انواع نقش‌های شش‌گانه مذکور در نظریه یا کوپسن مواجه خواهیم شد. در این پژوهش با تکیه بر سوره مبارکه غافر و بررسی کنش‌های گفتاری پیامبران، به بررسی آن از منظر کارکردهای شش‌گانه در نظریه ارتباط یا کوپسن پرداخته و نتایج زیر حاصل شد:

- با بررسی و تحلیل ارتباطات کلامی پیامبران با اقوام خود و تطبیق آن بر اساس نظریه ارتباطات کلامی یا کوپسن، حضور قدرتمند همه نقش‌های کلامی قابل ردیابی و واکاوی است و گاهی تداخل نقش‌ها نیز مشاهده می‌شود.

- با توجه به رسالت اصلی پیامبران در هدایت انسان‌ها و ویژگی تعلیمی و آگاهی‌بخشی سخنان ایشان، و نیز جهت‌دار بودن پیام به سوی موضوع با ویژگی قابل صدق و کذب بودن عبارات؛ از میان نقش‌های شش‌گانه زبان، بسامد نقش ارجاعی زبان نسبت به سایر نقش‌های زبانی در ارتباطات کلامی پیامبران پررنگ‌تر است.

- جهت‌دار بودن پیام به سوی مخاطب یا مخاطب‌گون بودن عبارات؛ چه به طور مستقیم چه غیر مستقیم و با معانی ثانویه، همچنین نقش رهنمودی کلام انبیا و پیامبران، بخش بزرگی از ارتباطات کلامی پیامبران را در دایره نقش یا کارکرد ترغیبی زبان قرار می‌دهد.

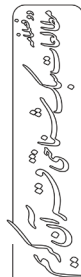
- نقش ادبی به دلیل برخورداری پیامبران از فصاحت و بلاغت و بیان نمادین، در قریب به اتفاق ارتباطات کلامی ایشان دیده می‌شود.

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۹۸ش): ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: پیام عدالت.
- آقابابایی، سمیه، کورش صفوی (۱۳۹۵ش): «بررسی ساختار ادب غنایی از دیدگاه زبانشناسی با تکیه بر نظریه "نقش‌های زبانی یاکوبسن"»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۰، شماره ۱۶، صص ۷-۳۴.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰ش): «ساختار و تأویل متن»، تهران: نشر مرکز.
- ایچیسون، جین (۱۳۷۶ش): «زبان‌شناسی همگانی»، ترجمه حسین وثوقی، تهران: علوی.
- باختری، ابوالمفاخر یحیی (۱۳۸۳ش): «أوراد الاحباب و فصوص الآداب»، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰ش): «درباره زبان»، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- باقری، مهری (۱۳۸۹ش): «مقدمات زبانشناسی»، تهران: قطره، چاپ ۱۳.
- تفضلی، عباسعلی، محمد اکبری نصرآبادی (۱۳۹۰ش): «بررسی شیوه‌های ایجاد ارتباط و اطلاع‌رسانی در سیره نبوی»، تاریخ، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۹۸-۱۱۶.
- حاتمی، سعید، سیدعلی قاسم‌زاده و نجمه امری (۱۳۹۲ش): «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۸۷-۱۱۴.
- جلال‌ت، فرامرز، ابراهیم دانش و محمد فرهمند (۱۳۹۷ش): «بررسی تطبیقی نظریه و مدل ارتباطی ابویعقوب سجستانی و رومن یاکوسن»، نشریه ادبیات تطبیقی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۸-۴۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش): «تفسیر موضوعی قرآن کریم»، قم: نشر اسراء.
- خلیفه شوشتری، محمد ابراهیم؛ رحیم لطفی کزج (۱۳۹۸ش): «تحلیل و بررسی برجسته‌سازی و آژگانی در سوره مبارکه غافر»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۲۷-۴۳.
- رفیعی، عادل، رضامراد مرادصحرائی (۱۳۹۲ش)، زبان فارسی زبان علم، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- رهبر، محمدتقی (۱۳۷۱ش): «پژوهشی در تبلیغ»، تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی، زهرا، نرگس انصاری (۱۴۰۰ش): «تمایز سوره‌های مکی و مدنی بر اساس نقش‌های زبانی (مطالعه موردی سوره‌های مریم و طه، نور و احزاب بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن)»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال نهم، شماره ۲، صص ۹۷-۱۲۸.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰ش): «از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد ۱ نظم)»، تهران: انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰ش): «گفتارهایی در زبان‌شناسی»، تهران: نشر هرمس.
- علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۷۷ش): «نظریه‌های نقد ادبی معاصر: صورت‌گرایی و ساختارگرایی»، تهران: انتشارات سمت.
- فالر، راجر؛ رومن یاکوبسن و دیوید لاج و پیتر بری (۱۳۶۹ش): «زبان‌شناسی و نقد ادبی»، ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده، تهران: نشر نی.
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۷ش): «دانش‌نامه نقد ادبی؛ از افلاتون تا به امروز»، تهران: نشر چشمه، چاپ دوم.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵ش): «دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر»، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۸۷ش): «بررسی دیدگاه‌های زبانی و ادبی سنایی (در چهارچوب نظریه یاکوبسن)»، پژوهش‌های ادبی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۵۵-۱۷۷.
- واقعی، محمدبن عمر (۱۳۸۶ش): «مغازی»، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هلبدی، مایکل؛ رقیه حسن (۱۳۹۳ش): «زبان، بافت و متن»، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: انتشارات علمی.
- یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰ش): «ساخت‌گرایی، پساساختارگرایی و مطالعات ادبی»، ترجمه به سرپرستی فرزاد سجودی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.

Bibliography

- Holy Quran
- Ahmadi, Babak, 1370 SH: The structure and interpretation of the text, Tehran, Naṣr al-Karzan.
- Ichison, Jane, 1367SH: Universal Linguistics. Translated by Hossein and Tawaqi. Tehran: Alavi.
- Bakherzai, Abul Al-Makher Yahya, 1383 SH: Aurad al-Ahbab and Fuss al-Adab, by Iraj Afshar, Tehran: University of Tehran Press.
- Batani, Mohammad Reza, 1370SH: About Language, Tehran: Aghat Publications, second edition.
- Bagheri, Mehri, 1389SH: Introduction to Linguistics, 13th edition, Tehran: Drop
- Tafzali, Abbas Ali and Akbari Nasrabadi, Mohammad, 1390SH: Investigating the methods of creating communication and information in the prophetic tradition, Tarikh Scientific Research Quarterly, Year 6, Number 23
- Hatami, Saeed et al., 1392SH: "Analysis of Abu Saeed Abolkhair's educational approach based on Jacobson's theory of verbal communication", Educational Literature Research Journal, Year 5, Number 17.
- Jalalat, Faramerz et al., 1397SH: "Comparative study of the theory and communication model of Abu Yaqub Saještani and Roman Yakusen", Comparative Literature Journal, Shahid Bahnar University, Kerman, year 10, number 19.
- Javadi Amoli, Abdullah, 1387SH: Thematic Tafsir of the Holy Quran, Qom, Isra Publishing House.
- Rahbar, Mohammad Taghi, 1371SH: Research in Tabligh, Tehran, Samit Publications.
- Salimi, Zahra and Ansari, Narges, 1400SH: "Differentiation of Meccan and Madani surahs based on linguistic roles, a case study of Maryam, Taha, Noor and Ahzab surahs based on Roman Jacobsen's communication model", Scientific Quarterly of Qur'anic Literary Research (Arak University) 9th year / Second Issue
- Al-Sharif al-Razi, Muhammad bin Hussain, undated: Al-Majazat al-Nabwiyyah, corrected by Mahdi Houshmand, Dar al-Hadith, Al-Qaimi Center in Isbahan for Al-Tahriyat al-Kumbiutri.
- Safavi, Korosh, 1390SH: From Linguistics to Literature, Volume 1 of Nazm, Surah Mehr Publications (affiliated to the Art Department)
- -----, 1380SH: Speeches in Linguistics, Tehran, Hermes Publishing.
- Alavi Moghadam, Mehیار, 1377SH: Theories of contemporary literary criticism, formalism and structuralism, Tehran, Somit Publications.
- Faller, Roger and others, 1369SH: Linguistics and literary criticism, translated by Maryam Khozan and Hossein Payandeh, Tehran, Ni publication.
- Makarik, Irna Rima (1385SH): Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Naboi, Tehran, Ageh.
- Nabilou, Alireza, 1387SH: "Review of Sana'i literary and linguistic views", Literary Research Quarterly, year 6, number 22
- Waqdi, Mohammad bin Omar, 1386SH: Moghazi, translated by Mahmoud Mahdavi



سال ششم
شماره دوم
پیاپی: ۱۱
پاییز و زمستان
۱۴۰۱

Damghani, Tehran, University Publishing Center

- Helidi, Michael and Hassan, Ruqiyeh 1393SH: Language, texture and text, translated by Mojtaba Manshizadeh and Taherah Ishani, Tehran, Scientific Publications
- Yakobsen, Roman, 1380SH: Constructivism, Poststructuralism and Literary Studies, translated under the supervision of Farzan Sajjoudi, Tehran, Islamic Propaganda Organization of Houze Hanry.

سال ششم

شماره دوم

پیاپی: ۱۱

پاییز و زمستان

۱۴۰۱